

۱۴۳۱۶۹۱

الحق سب زمینی نباشد

www.ketab.ir

ناه کتاب: لطفا سیب زمینی نباشید

مولف: حسین اعرابی عربانی

شابک: نیل

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۲۲-۵-۵

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

سرشناسه: اعرابی عربانی، حسین
عنوان و نام پدیدآور: لطفا سیب زمینی نباشید/ مولف حسین اعرابی عربانی.

مشخصات نشر: تهران: نیل، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۲۵ص: ۲۱×۱۴ س.م.

شابک: ۹۷۸۶۰۰۹۵۲۲۰۹۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: راه و رسم زندگی

موضوع: Conduct of life

موضوع: مهارت های زندگی

موضوع: Life skills

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ الف ۲/ف/ BJ1588

رده بندی دیویی: ۱۷۰/۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۲۵۷۴۵

فهرست

- ۱ دیباچه
- ۷ چه نعمتی است نوشتن
- ۱۱ خوب حرف می زنند ولی سواد شنیدن ندارند
- ۱۵ رقص دختر شیطان درون حقه نقره ای
- ۲۱ سرزنشی که آینده ام شد
- ۲۵ سلام
- ۳۱ طلبکار در خانه مهربان در جامعه
- ۳۷ عقربه های تاثیرگذار
- ۴۳ فردا را خواهم دید یا نه؟
- ۴۹ فرصت امروز؛ حسرت فردا
- ۵۵ فشار زندگی
- ۵۹ کسانی که هستند ولی نیستند، کسانی که نیستند ولی هستند
- ۶۳ مشکلات امروز را پیش خرید کرده ام!
- ۶۹ استیکری به نام لایک
- ۷۵ لطفا سیب زمینی نباشید

- ۸۱ معجزه ای به نام لبخند
- ۸۵ من شبیه خودمم
- ۸۹ نخود نخود، هر که رود خانه خود
- ۹۵ ترس یا احتیاط
- ۱۰۱ نفوذ در کلام
- ۱۰۷ هر که ده ان اوجی دارد
- ۱۱۱ سخن پایانی

سوگند به قلم و آنچه با آن می‌نگارند

سپاس خدای تبارک و تعالی را که زندگی و مرگ را خلق کرد تا بیازماید انسان را که کدامشان نیکوکارترند و اوست که توانای شکست ناپذیر و در عین حال بسیار آمرزنده و مهربان است. منت خدای را که مهربانی را بر خود واجب کرد و نعمتهایش را بر اطاعت کنندگان و گناهکاران یکسان قرار داد تا در ثواب و عقاب ایشان خلل و ایرادی نباشد. حمد مخصوص خالق است که انسان را آفرید و به او تعلیم داد تا کامل شود و خود را برای یک بعدی حیات مهیا سازد. مسیر زندگی انسانها در مقایسه با یکدیگر به لحاظ تکمیل فیزیکی و فیزیکی و در نهایت رسیدن به نقطه پایان دنیای مادی و انتقال به جهان فراماده به جهت تکمیل آموزشها و آغاز زندگی در آن بعد، تفاوت چندانی ندارد. شباهت آدمها در نوع متولد شدنشان، مدل رشد، رسیدن به بلوغ در یک سن مشخص، ظاهر شدن نشانه سن، پیری که گریای یک عمر فراز و نشیب است و حتی شبیه بودن ایشان در بروز یک سری خدایات و انجام هنجارهای اجتماعی مانند ورود به مدرسه و دانشگاه به جهت کسب و تحصیل علم، ازدواج، یافتن شغل و ... گویای این حقیقت است که خالق یکتا از منظر آفرینش، تفاوت و تبعیض بین بندگانش قائل نگردیده است. همانگونه که در کلام الله شریف آمده: "مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَوتٍ" (سوره مبارکه ملک، آیه ۳)، در آفرینش پروردگار هیچ تفاوتی و ناهمگونی نمی‌بینی. لذا از آنجایی که اساس و بنیان هستی بر پایه عدالت استوار است، خداوند حکیم شرایط را بر همگان به جهت کسب معارف زندگی، اخلاقی، علمی و رسیدن به تکامل و ارزشهای والای انسانی شبیه قرار داد که این امر مصداق عدالت، رأفت و حکمت ذات اقدس احدیت در قبال آفریده ها و موجودات هستی می‌باشد. آنچه که در این میان توجه آدمی را به خود جلب می‌کند و عمیقا او را به فکر وامی‌دارد آن است که چرا با وجود این همه شباهت در اساس خلقت و زندگی، انسانها در مقیاس

های بسیار وسیعی با یکدیگر تفاوت دارند و مسیر تکامل ایشان از لحاظ تکامل بعدهاى غیر ظاهرى و صور پنهان، اشکال و اختلافات فاحشى با هم دارند. یکى به دنبال جنگ افروزی است و دیگرى در پی صلح و آرامش، یکى از مال خود چنان مى بخشد که گویى صاحب مال نیست و دیگرى چنان بخل مى ورزد که نه انگار مى بایست بگذارد و برود. کسى در پی گشودن گره از دوست و آشنا و همسایه و جامعه و دیگرى مشکل ساز برای همه آنها، یکى به لحاظ معرفتى چنان رشد مى کند که نمى تواند گذشت نکند. دیگرى چنان ضعیف که تلافى را آرمان و اعتلای خود مى انگارد، یکى مهربانى اجین تمامى امورات روزمره اش و دیگرى سرلوحه اش قهر و عصبانیت، یکى قانع و یکى طمعکار. یکى آرام و دیگرى متلاطم، یکى ... و بسیاری از این اضداد که هر روزه نظاره گر آنهایم به نظر مى رسد با وجود شباهت نسل بشر در خلقت آنچه که باعث تغییر مسیر زندگى آدمى و تفاهت های اخلاقى و در نهایت تفاوت سرنوشت و عاقبت ایشان مى گردد تفاوت در سبب برداشت، دریافت، احساس و ادراکشان از پیرامون خود در مقیاس جامع ترى از جهان هستى است که نهایتا منجر به تفاوت در نوع یادگیرى ها و آموزش ها و کسب معارف و نهادینه کردن و بکارگیرى آنها در زندگى شخصى و اجتماعى هر فردى است. از طرفى اعتقاد و ترجیح در رستاخیز و معاد بى شک از تاثیر گذارترین مولفه ها در هدایت انسان به صراط مستقیم و تربیت و اصلاح اوست. بى تردید تمامى اعمال انسان بى کم و کاست در محکمه اى برپا مى واهد شد که توصیه ها، رشوه ها و تجدید نظر ها هیچ تاثیرى در نتیجه آن ندارد و درنتیجه درشت ترین اعمال او ثواب یا عقاب خالق را به دنبال دارد و از مختصات قضات است دادگاه همین بس که خود شاهدان ماجرايند. لذا کسى که واقف بر این حقیقت باشد بسیار سخت گیرانه و موشکافانه مراقبه بر اعمالش مى کند و به امید درک وعده های الهى سعى در اصلاح روند زندگى خود دارد. بنابراین داشتن علم و آگاهی نسبت به اصل مسأله معاد

مستقیماً در رفتار آدمی و تعادل او با جامعه اثرات شگرف و بسزایی را در پی خواهد داشت. از بارزترین و شاخص‌ترین این اثرات آن است که انسان مرگ را آخرین نقطه حیات تلقی نمی‌کند و زندگی خود را پوچ و رو به زوال نمی‌انگارد و لذا خود را درگیر انواع سرگرمی‌ها و دل‌مشغولی‌های بی‌ارزش دنیایی نمی‌سازد. بر این مبنا او سعی می‌کند تا غرائز، لذات و شهواتش را کنترل کند که در نهایت آرامش روحی و فکری را برای او به ارمغان می‌آورد. چنین اعتقادی در واقع به زندگی انسانها مفهوم می‌بخشد و نقش ابائی در پرورش روح و تزکیه و تربیت نفس آدمی دارد.

به سرتیتر روشن شدن این مسائل برای ما یک چیز است و بکارگیری و اجرای آنها در زندگی به منظور تغییر تا حصول نتیجه مطلوب چیز دیگری. دعوت انسانها به مثبت اندیشی، تزکیه و دوری از ضد ارزشها از سطوح پایین تا دستیابی به برخی کرامات انسانی توسط افراد صالح و علمای کارشناس بسیار تا بسیار انجام شده است اما نمی‌دانیم که آیا به تناسب مسائل عنوان شده در این مقوله انسانها توانسته‌اند مسیر زندگی‌شان را به سمت ارزشها و دوری از معاصی تغییر دهند یا نه. متأسفانه اکثر انسانهایی که راهی برای تغییر مسیر و در نهایت نفس‌نویسی نمی‌یابند دچار این تفکر اشتباهند که برای دستیابی به این مهم لزوماً می‌بایست کار یا کاهای بسیار خاص، بزرگ و یا خارق العاده انجام داد تا نتایج خارق العاده رقم بخورد. غافل از آنکه دستیابی به فرجامهای رضایت بخش و آرامش روحی و فارغ شدن از تألمات و سرگیری‌های روزمره معمولاً با اصطلاح کارهای بسیار کوچک و ساده‌ایست که ما هیچ نظری در رابطه با تغییر آنها در ذهنمان متصور نیستیم. نویسنده در این کتاب کوشیده است تا با به تسویه کشیدن این مسائل جزئی و پرداختن به اهمیت تغییر آنها خواننده را از تأثیرات شگرف این تبدیلات آگاه سازد و با صرف کمترین زمان و هزینه و با استعانت از راهکارهایی که غیر کاربردی و بی‌فایده تلقی می‌گردند چشم انداز فرجامهای نیکویی پیش روی افراد قرار دهد. با

توجه به آشنایی و شناخت چند ساله ای که بنده از نویسنده دارم، شایان عنایت است که ایشان توانسته اند با استمداد از همین نکات و لحاظ کردن همین مسائل به ظاهر غیر کاربردی و بلافائده خود را از گرداب بحرانها و درون لرزه های مخرب برهاند و از عدیده مشکلاتی که در زندگی شخصی و اجتماعی گریبانگیرش بود خلاصی و به ثبات اخلاقی و فکری و آرامش دست یابد. آنچه او به رشته تحریر در آورده است گزیده ایست از مطالبی که لختی تعمق و تأمل در آن به جهت دستیابی به صلح و ثبات فکری در هیاهوی زندگی روزمره و باز شدن افق های روشن خالی از لطف نیست. مع الوصف تلاش نویسنده بر القاء و دعوت به این تفکر استوار است که با تغییر حس های آدمی برداشت ها از پیرامون رضی شده و این تغییر منجر به عوض شدن رفتارها و در نتیجه مسیر زندگی آدمی می گردد. لذا با عنایت به این مسأله که نوع جهان بینی و رفتاری که از آن زاده می شود عاثبت و آیند (حتی به عقیده شخصی بنده، میزان سلامت جسم و فیزیک) هر انسانی را مشخص می نماید، ایشان سعی دارد با ارائه راهکارهای موجود، رویه های بی ثمر را تغییر داده تا امید پروردگار حصول نتیجه های مطلوب مایه آسایش و آرامش افراد گردد. بنده هم به نفع خود امیدوارم مطالب و پیشنهادات این کتاب جرقه ای در اذهان خوانندگانی باشد که به نوشتن خویش می اندیشند و به منظور ایجاد اصلاح در زندگی شان در رضایت خلی قدی می یارند. امیدوارم از رهگذر قلم نویسنده که بنا دارد این حال خوش را با سایر همزعمان به اشتراک بگذارد شوریدگانی که سر رهایی از گره ها و پیچیدگی های ایام و لیالی شان را دارند به سامان برسند و به لطف لایزال الهی نفوسی که طالب حرکت به سمت ارزش ها هستند از این کتاب بهرمند گردند.

نزدیکتر هر آنچه نهادیم گام را

دردا که ما ز مقصد خود دورتر شدیم

با احترام محمد داداشی